

دکتر رابرت ای. پترسون، مکاشفه و کتاب مقدس

جلسه ۵، مکاشفه در داستان کتاب مقدس

مکاشفه در متون منتخب

رابرت پترسون و تد هیلدبرانت ۲۰۲۴ ©

من دکتر رابرت ای. پترسون هستم در تدریسش در مورد مکاشفه و کتاب مقدس. این جلسه ۵، مکاشفه در داستان کتاب مقدس، مکاشفه در متون منتخب است.

ما به سخنرانی‌هایمان در مورد مکاشفه خدا و آموزه‌های کتاب مقدس ادامه می‌دهیم.

لطفاً با من دعا کنید. پدر، از تو سپاسگزارم که انتخاب کردی خودت را به ما آشکار کنی، به خصوص در پسر و در کلامت. ما دعا می‌کنیم که به ما بیاموزی. ما را به راه جاودانه خودت هدایت کن، برای خودمان و خانواده‌هایمان. به نام مقدس عیسی دعا می‌کنیم، آمین.

همه ما با ایده وحی آشنا هستیم.

ما افرادی را می‌شناسیم که شناختنشان آسان است و کسانی را که شناختنشان چندان آسان نیست. به طرز شگفت‌آوری، شناختن خدا آسان است، زیرا او ابتکار عمل را به دست می‌گیرد و خود را به ما آشکار می‌کند. در واقع، او خدای آشکارکننده‌ای است که از شناساندن خود لذت می‌برد.

او خود را به همه مردم، چه در بیرون و چه در درون آنها، آشکار می‌کند. او خود را در جهانی که آفریده است، بیرون از ما آشکار می‌سازد. همه مخلوقات خدا به خالق خود شهادت می‌دهند، زیرا آنها مخلوقات او هستند.

او همچنین با مراقبت و هدایت وقایع جهان، خود را آشکار می‌کند. علاوه بر این، او خود را به هر انسانی می‌شناساند، شریعت خود را بر قلب‌های ما می‌نویسد و به هر یک از ما وجدان می‌بخشد. خدا نه تنها خود را به همه انسان‌ها آشکار می‌کند، بلکه شخصاً خود را به بسیاری نیز می‌شناساند.

او این کار را از چندین طریق انجام می‌دهد. او گاهی اوقات در کلام خود معجزاتی انجام می‌دهد تا به قوم خود تعلیم دهد. او از طریق پیامبران خود که کلام او را به قومش می‌آورند، کتاب مقدس را الهام می‌بخشد.

اسرائیل در عهد عتیق و کلیسا در عهد جدید. از همه بهتر، خود خدا به صورت انسان درمی‌آید تا خود را به گونه‌ای بی‌سابقه آشکار کند. چه کسی می‌تواند خدا را بهتر از خدا آشکار کند؟ و چه کسی می‌تواند خدا را بهتر از یک انسان به انسان‌ها آشکار کند؟ پسر خدا در عین حال که همچنان خدا است، انسان می‌شود.

او آشکارکننده کامل خداست. عیسی خدا را در کلام و عمل می‌شناساند. اعمال او خدا را جلال می‌دهد و هویت عیسی را به عنوان موعود و نجات‌دهنده آشکار می‌کند.

او کلام خدا را به گونه‌ای بی‌همتا بیان می‌کند. او چنان بی‌نقص خدا را آشکار می‌کند که خدا او را کلمه، پیام‌آور خدا می‌نامد. وحی خدا در داستان کتاب مقدس.

خود آشکارسازی خداوند با خلقت آغاز می‌شود، به ویژه در باغ عدن. خداوند قدرت، حکمت، زیبایی و موارد دیگر خود را در جهان و در باغ زیبایی که می‌سازد، آشکار می‌کند. او تقدس و عدالت خود را در قلب آدم و حوا آشکار می‌کند و آنها از خالق خود اطاعت می‌کنند.

خداوند سخاوت و وفاداری خود را در مشیت الهی آشکار می‌کند، زیرا به والدین اولیه ما میوه، سبزیجات و غلات فراوان می‌دهد. خداوند خود را قبل از سقوط، نه تنها در مکاشفه عمومی، بلکه در مکاشفه خاص نیز آشکار کرد. آدم و حوا کلام خدا را به صورت شفاهی دریافت می‌کنند.

آنها همچنین از حضور او در باغ عدن آگاهند. هبوط چه تأثیراتی بر وحی خدا دارد؟ دو نکته قابل توجه است. اول، وحی اولیه خدا رابطه‌ای است.

، او خود را به طرق مختلف به آدم و حوا، که او را می‌شناسند، دوست دارند و از او اطاعت می‌کنند می‌شناساند. سقوط، این رابطه را می‌شکند، که با پنهان شدن والدین اولیه ما از حضور خدا نشان داده شده است. دوم، در نتیجه این رابطه شکسته، وحی یکپارچه خدا اکنون تکه تکه به نظر می‌رسد.

خداوند هنوز زوج اول را با دانش خود از بیرون و درونشان، در تاریخ و در کلام و حضور، بمباران می‌کند، اما به دلیل اثرات گناه بر ذهن آنها، چنین وحی‌ای اکنون برای دیدگاه مبهم آنها نامنجم به نظر می‌رسد. از ریچارد گافین جونیور به خاطر یادداشت‌های الهیات سیستماتیک منتشر نشده‌اش که در بسیاری از این ایده‌ها به ما کمک کرد، تشکر می‌کنم. در مسیح، ما وارد یک رابطه شخصی با خدا می‌شویم و بخشی از وحدت اولیه وحی را بازیابی می‌کنیم.

دیدن جهان به عنوان کار دست خدا به جای تمام آنچه که وجود دارد، ما را به این سمت سوق می‌دهد که چمن را سبزتر و آسمان را آبی‌تر ببینیم. ما به هشدارهای وجدان توجه می‌کنیم، زیرا با شریعتی که بر قلب‌هایمان نوشته شده است، رومیان ۲۱۵، کار می‌کند. ما زندگی و آینده را در پرتو مشیت الهی می‌بینیم.

ما حضور خدا را در پرستش دوست داریم و مسیح را به عنوان مرورید یگانه و بی‌قیمت، مرورید گرانبها، ارج می‌نهمیم، متی ۱۱:۴۶. ما کلام مکتوب او را گرامی می‌داریم و آن را در قلب‌های خود گرامی می‌داریم، مزمور ۱۱۹ آیه ۱۱. در رستاخیز و زندگی آینده‌مان بر روی زمین جدید، قدردانی ما از وحی یکپارچه خدا به طور کامل احیا خواهد شد.

در واقع، اوضاع بهتر از قبل از سقوط خواهد بود، زیرا به عنوان قوم خدا، دیگر قادر به گناه نخواهیم بود و خدا به گونه‌ای بی‌سابقه در میان ما ساکن خواهد شد. ما از اینکه خدا خود را در خلقتی تازه، به وجدان‌های کامل و در تاریخ ابدی آشکار می‌کند، شادمان خواهیم شد. ما کلام را دوست خواهیم داشت و پدر روح و پسر مجسم را که می‌گوید، نقل قول کنید، من زنده هستم، خواهیم پرستید.

، من مرده بودم، اما بنگر، اما اینک، من تا ابد زنده هستم، و کلیدهای مرگ و جهان مردگان را در دست دارم مکاشفه ۱:۱۷ و ۱۸. مکاشفه در متون برگزیده. خداوند خود را در مکاشفه‌های عمومی که به همه در همه جا داده شده است، و در مکاشفه‌های ویژه که به افراد خاص در مکان‌های خاص داده شده است، آشکار می‌کند.

در متون زیر، خواهیم دید که مکاشفه ویژه شامل وقایع تاریخی مانند بلاها و خروج است که در آن خدا خود را به عنوان یک جنگجو و نجات‌دهنده نشان می‌دهد که خدایان دروغین را داوری می‌کند و قوم خود را نجات می‌دهد. عیسی ما را به مکاشفه ویژه هدایت می‌کند و می‌آموزد که انسان‌ها نمی‌توانند آن را به تنهایی به دست آورند، بلکه خدا به طور مستقل آن را می‌دهد. این مکاشفه دارای ماهیت تثلیثی است و با فروتنی ایمان دریافت می‌شود.

این [کلام] هم گزاره‌ای و هم شخصی است و منعکس‌کننده‌ی دهنده‌ی آن، که هم حقیقت است و هم یک شخص، می‌باشد. خداوند به ویژه خود را در کتاب مقدس خود آشکار می‌کند. در حالی که خداوند وحی عهد عتیق را از طریق پیامبران ارائه می‌دهد، وحی عهد جدید را از طریق پسر مجسم خود، که روح القدس را بر حواریون نازل می‌کند، ارائه می‌دهد. خداوند از کلام خود برای ابلاغ اراده‌اش، برای ایجاد تولدی نو در خلقتی نو و برای ترویج آزادی، زندگی و شکوفایی استفاده می‌کند.

مؤمنان باید در اطاعت از کتاب مقدس سریع باشند و برکت یابند. متون ما شامل خروج ۷ تا ۱۵، متی ۲۷ تا ۲۹، عبرانیان ۱:۱ و ۲، یعقوب ۱:۱۸ تا ۲۵ است و این کافی است. خروج ۷ تا ۱۵ ۱۱:۲۵

کتاب مقدس تعلیم می‌دهد که وحی خدا در وقایع تاریخی، مانند خروج، نازل می‌شود. خدا خود را به موسی، آشکار می‌کند و او را فرا می‌خواند تا قومش را از ظلم و ستم مصر به سرزمینی که خدا برای آنها آماده می‌کند هدایت کند، خروج ۳: ۱ تا ۴، ۲۶. موسی از خدا اطاعت کرد و از فرعون خواست که قوم خدا را رها کند تا بتوانند او را پرستش کنند.

فرعون با لجاجت امتناع می‌کند و با تظاهر از خروج ۵:۲ می‌پرسد، خداوند کیست که من باید از او اطاعت کنم و اسرائیل را رها کنم؟ فرعون با تکبر ظلم خود را بر اسرائیل افزایش می‌دهد، فصل ۵، آیات ۴ تا ۲۰. خدا پاسخ می‌دهد و هم برای رهایی قوم خود و هم برای جبران جهل فرعون برنامه‌ریزی می‌کند. او وعده می‌دهد که اسرائیل را از بندگی مصر رهایی بخشد، ۶:۶. من شما را از زیر بار مصریان بیرون خواهم آورد و شما را از بردگی آنها رهایی خواهم داد و شما را با بازویی دراز و با داوری‌های عظیم رهایی خواهم داد، خروج ۶:۶. خدا ده بلای وحشتناک بر مصر نازل می‌کند.

ما این را در خروج ۷:۱۴ تا ۱۲:۳۲ می‌بینیم و اعلام می‌کنیم که خداوند آشکار کرده است که او خداوند است. ما آن را در ۷:۵ می‌بینیم. مصریان خواهند دانست که من خداوند هستم، وقتی که دست خود را بر مصر دراز کنم و بنی‌اسرائیل را از میان آنها بیرون بیاورم. ۷:۱۷.

با این، خواهی دانست که من یهوه هستم. اینک، با عصایی که در دست دارم، آب نیل را خواهم زد و به خون تبدیل خواهد شد. و سپس مثال خوب دیگر، آیه ۱۰ و ۲ است. خداوند در آیه ۱۰، ۱ به موسی گفت: «به نزد فرعون برو، زیرا من قلب او و قلب بندگانش را سخت کرده‌ام، تا این نشانه‌های خود را در میان آنها نشان دهم، و تو به گوش پسر و نوه‌ات بگویی که چگونه با مصریان به سختی رفتار کرده‌ام و چه نشانه‌هایی در میان آنها انجام داده‌ام، تا بدانی که من یهوه هستم.»

به طور خاص، این وقایع تاریخی قدرت خدا، مالکیت او بر جهان و عشق به عهد و پیمان او را نشان می‌دهند. حداقل در نیمی از بلاها، خداوند بین اسرائیل، مصر و اسرائیل تمایز قائل می‌شود و قوم خود را نجات می‌دهد. به عنوان مثال، این را در خروج ۱۱: ۴ تا ۷ می‌بینیم.

اینجاست که خداوند بلای نهایی را تهدید می‌کند. خداوند چنین می‌گوید، خروج ۱۱:۴. حدود نیمه‌شب به میان مصر خواهم رفت و هر نخست‌زاده‌ای در سرزمین مصر، از نخست‌زاده فرعون که بر تخت او نشسته است، گرفته تا نخست‌زاده کنیز که پشت آسیاب دستی است، و همه نخست‌زاده‌های گاو، خواهد مرد. فریاد بلندی در سراسر سرزمین مصر خواهد بود، چنان که هرگز نبوده و هرگز نخواهد بود، اما سگی بر هیچ یک از بنی‌اسرائیل، چه انسان و چه حیوان، غرش نخواهد کرد تا بدانید که خداوند بین مصر و اسرائیل فرق می‌گذارد.

وای. سربچی سرسختانه فرعون منجر به دهمین بلا، مرگ همه نخست‌زاده‌های نر در مصر، از جمله پسر فرعون، شد (۱۲:۲۹). (در نیمه‌شب، خداوند همه نخست‌زاده‌های سرزمین مصر را، از نخست‌زاده فرعون که بر تخت نشسته بود، تا نخست‌زاده اسیر که در سیاه‌چال است، و همه نخست‌زاده‌های دام، کشت

خداوند با لطف خود از بنی‌اسرائیل محافظت می‌کند، کسانی که مطیعانه خون بره قربانی را بر سر در و چارچوب درهای خود می‌مالند. از آنجا که خداوند هنگام داوری نخست‌زادگان، از خانه‌های بنی‌اسرائیل عبور می‌کند، بنی‌اسرائیل باید عید فصح را به عنوان جشنی سالانه برای خداوند جشن بگیرند. فرعون پشیمان می‌شود و بنی‌اسرائیل را آزاد می‌کند، اما او به سرعت نظر خود را تغییر می‌دهد و با خشم آنها را تعقیب می‌کند.

خداوند با قدرت دریای سرخ را برای عبور قومش می‌گشاید. وقتی مصریان به دنبال آنها می‌آیند، خداوند آب را بر ارابه‌هایشان می‌بندد و سوارانشان را نابود می‌کند. ۱۴:۲۸، آب‌ها برگشتند و ارابه‌ها و سواران و تمام لشکر فرعون را که آنها را تا دریا دنبال کرده بودند، پوشاند.

حتی یکی از آنها باقی نماند. همانطور که موسی و مریم در سرودهایشان می‌گویند، خروج یک رویداد تاریخی بزرگ و وسیله‌ای مهم برای آشکار شدن خداوند است. در خروج، خداوند دشمنان خود را داوری می‌کند و قوم خود را نجات می‌دهد.

در سفر خروج، خدا همچنین بیان می‌کند که کیست: یهوه، خداوند عهد. او قوم عهد خود را دوست دارد، محافظت می‌کند و به آنها وفادار می‌ماند. در فصل‌های ۳ و ۴، او بر ملت‌ها، رهبران، خدایان دروغین و حتی دریا قدرتمند است.

خروج ۹:۱۶ و ۱۱:۹، او خداوند بر زندگی و مرگ است. خروج ۱۲:۲۹ تا ۳۲، خروج یک مکاشفه ویژه است و تجلیل می‌کند که هیچ کس مانند یهوه وجود ندارد که بسیار والا، باشکوه، قدرتمند، باعظمت، مقدس و دوست داشتنی باشد. خدا یک جنگجو، نجات دهنده، پادشاه ابدی، قادر به نجات است.

من از ذکر این منابع معذورم. او بر ملت‌ها، رهبران، خدایان دروغین، حتی دریا قدرتمند است. ۹:۱۶ و ۱۱:۹. سرود موسی شایسته توجه ماست.

توجه کنید که چگونه خدا خود را در خروج آشکار می‌کند، و توجه کنید که چگونه کلام و عمل با هم همراه هستند. عمل یک وحی عظیم است، اما باید توسط کلمات برای ما تفسیر شود. مطمئناً، مردم در سراسر خاور نزدیک باستان که از این رویداد می‌شنیدند، نتیجه نمی‌گرفتند که آه، یهوه تنها خدای حقیقی و زنده است.

من باید ختنه شوم و یهودی شوم. فکر نمی‌کنم. آنها چیزی شبیه به این خواهند گفت، شاید، هاه، خدای اسرائیل، یهوه، حداقل در حال حاضر از خدایان مصر قوی‌تر است.

چیزی شبیه به این. سپس موسی و قوم اسرائیل این سرود را برای خداوند خواندند و گفتند: «برای خداوند سرود می‌خوانم، زیرا او با شکوه پیروز شده است.» اسب و سوارش را به دریا انداخت.

خداوند قوت و سرود من است. او نجات من شده است. این خدای من است.

من او را، خدای پدرم را، ستایش خواهم کرد و او را متعال خواهم خواند. خداوند مرد جنگی است. نام او یهوه است.

ارابه‌ها و لشکریان فرعون به دریا افکنده شدند و برگزیدگانش در دریای سرخ غرق شدند. سیل آنها را پوشاند و مانند سنگ به اعماق دریا فرو رفتند.

دست راست تو، ای خداوند، در قدرت جلال دارد. دست راست تو، ای خداوند، دشمن را در هم می‌شکند. در عظمت و شکوه خود، دشمنانت را سرنگون می‌کنی.

خشم خود را فرو می‌فرستی، و آنها را مانند گاه می‌سوزاند. از صدای غرش بیبیات، آب‌ها انباشته شدند.

«سیل‌ها به صورت توده‌ای برپا شدند. ژرفاها در دل دریا منجمد شدند. دشمن گفت: «تعقیب خواهم کرد

من فرا خواهم رسید. من تقسیم خواهم کرد تا غارت کنم. آرزوی من از آنها پر خواهد شد

پر از آنهاست. شمشیرم را خواهم کشید. دست من آنها را نابود خواهد کرد

تو با باد خود دمیدی. دریا آنها را پوشاند. آنها مانند سرب در آبهای عظیم غرق شدند

کیست مانند تو، ای خداوند، در میان خدایان؟ کیست مانند تو، با شکوه در قدوسیت، مهیب در اعمال باشکوه، که شگفتی‌ها می‌کند؟ تو دست راست خود را دراز کردی. زمین آنها را فرو برد. تو قومی را که نجات داده‌ای، با محبت پایدار خود رهبری کردی.

تو با قدرت خود ایشان را به سوی مسکن مقدس خود هدایت کردی. قوم شنیده‌اند. آنها می‌لرزند

درد، ساکنان فلسطین را فرا گرفته است. اکنون، بزرگان ادوم پریشان شده‌اند. لرزه بر رهبران موآب افتاده است.

تمام ساکنان کنعان گداخته شده‌اند. به سبب عظمت بازوی تو، وحشت و ترس بر آنها مستولی شده است. ای خداوند، آنها هنوز مانند سنگی در برابر قوم تو هستند، از آنها عبور کن

به مردمی که از کنارشان عبور می‌کنی و آنها را خریده‌ای. آنها را خواهی آورد و در کوه خود خواهی کاشت. مکانی که ای خداوند، برای سکونت خود ساخته‌ای.

ای خداوند، معبدی که دستان تو آن را بنا نهاده است. خداوند تا ابد سلطنت خواهد کرد. سرود مریم می‌گفت: برای خداوند سرود بخوانید، زیرا او با شکوه پیروز شده است

اسب و سوارش را به دریا انداخت. ما در حال بررسی متون شگفت‌انگیز کتاب مقدس هستیم که در آنها خداوند خود را به قومش آشکار می‌کند. در مورد خروج، فصل‌های ۷ تا ۱۵ نیز همینطور بود.

در متی ۱۱، عیسی سخنان بسیار به یادماندنی‌ای می‌گوید. زمینه، رنج‌های عیسی در شهرهای توبه‌نکرده است. سپس عیسی شروع به سرزنش شهرهایی کرد که بیشتر کارهای عظیم خود را در آنها انجام داده بود، زیرا آنها توبه نکرده بودند.

وای بر تو ای خورزین، وای بر تو ای بیت صیدا، زیرا اگر معجزاتی که در تو انجام شد در صور و صیدون انجام می‌شد، مدت‌ها پیش در پلاس و خاکستر توبه می‌کردند. اما به تو می‌گویم که در روز داوری، تحمل رنج صور و

صبیدون آسان‌تر از تو خواهد بود. و تو ای کفرناحوم، آیا به آسمان سرافراز خواهی شد؟ به جهنم سرنگون خواهی شد.

زیرا اگر معجزاتی که در تو انجام شد در سدوم انجام می‌شد، تا به امروز باقی می‌ماند. اما به تو می‌گویم که در روز داوری، تحمل مجازات برای سرزمین سدوم آسان‌تر از تو خواهد بود. آیاتی که بیشتر مورد توجه ما هستند، متی ۱۱:۲۵ تا ۲۷، در اینجا آمده است.

در آن زمان، عیسی اعلام کرد: «ای پدر، ای خداوند آسمان و زمین، تو را شکر می‌کنم که این امور را از خردمندان و خردمندان پنهان کردی و به کودکان آشکار ساختی. آری، پدر، زیرا چنین اراده‌ی نیکوی تو بود همه چیز توسط پدرم به من سپرده شده است و هیچ کس پسر را جز پدر نمی‌شناسد، و هیچ کس پدر را جز «پسر و هر که پسر بخواهد او را به او آشکار کند، نمی‌شناسد».

ای تمام زحمتکشان و گرانباران، نزد من آید و من به شما آرامش خواهم داد. یوغ مرا بر خود گیرید و از من بیاموزید، زیرا من حلیم و فروتن هستم و برای جان‌هایتان آرامش خواهید یافت. زیرا یوغ من آسان و بار من سبک است.

عیسی همچنین ما را به موضوع مکاشفه هدایت می‌کند. او عدم توبه در شهرهای جلیل را که در آنها معجزات زیادی انجام داده بود، محکوم می‌کند. سپس با آیاتی که خوانده بودم، غرق در پرستش و ژرفای بینش شد.

ستایش از آن تثلیث است به خاطر کار وحی‌اش. ای پدر، پروردگار آسمان و زمین، تو را شکر می‌کنم که این چیزها را از خردمندان و خردمندان پنهان کردی و به کودکان آشکار ساختی. آری، پدر، زیرا چنین بود اراده‌ی مهربان تو.

خدای پدر نویسنده مکاشفه است. او وحی کننده است، آیه ۲۵ از متی ۱۱. پسر نیز در این امر دخیل است، زیرا او پدر را آشکار می‌کند، آیه ۲۷.

پدرم به من سپرده است، و هیچ کس پسر را نمی‌شناسد جز پدر، و هیچ کس پدر را نمی‌شناسد جز پسر و هر که پسر بخواهد او را به او آشکار کند. پسر همچنین موضوع اصلی مکاشفه، لوقا ۲۴، ۲۷ است. عیسی از موسی و همه انبیا شروع کرد و در تمام کتب مقدس، امور مربوط به خودش را برای آنها تفسیر نمود.

روح القدس نیز در مکاشفه، لوقا ۱۰:۲۱، دخیل است. در همان ساعت، عیسی در روح القدس شادمان شد و گفت: «ای پدر، پروردگار آسمان و زمین، تو را شکر می‌کنم که این چیزها را از خردمندان و خردمندان پنهان کردی و آنها را به کودکان آشکار ساختی.» روایت لوقا از همان ماجرا در متی می‌گوید که عیسی در روح القدس «شادمان شد و گفت»: «با این مقدمه، در سخنان عیسی، مشارکت روح القدس را در مکاشفه می‌بینیم».

همه اینها به ویژگی تثلیثی مکاشفه اشاره دارد. عیسی نشان می‌دهد که مکاشفه نیز شخصی است، زیرا محتوای آن شناخت پدر و پسر است، متی 11:27. ای پدر، پروردگار آسمان و زمین، تو را شکر می‌کنم که این چیزها را از خردمندان و خردمندان پنهان کرده‌ای و آنها را به کودکان آشکار ساخته‌ای.

پدرم به من سپرده شده است، و هیچ کس پسر را نمی‌شناسد جز پدر، و هیچ کس پدر را نمی‌شناسد جز پسر و هر کسی که پسر بخواهد او را به او آشکار کند. این یعنی وحی ضروری است.

ما باید خدا را بشناسیم، آیه ۲۵. علاوه بر این، وحی به طور مطلق داده شده است. خدای پدر در وحی، آیات و ۲۶ متی ۱۱، حاکم است، و پسر نیز همینطور ۲۵.

پدر را نمی‌شناسد، جز پسر و کسانی که پسر بخواهد او را به آنها آشکار کند. خدا ابتکار عمل را به دست می‌گیرد و وحی را مؤثر می‌سازد. پنهان بودن از خردمندان و فهمندگان به معنای فراتر بودن از توانایی یا عقل بشر است.

انسان‌ها نمی‌توانند به تنهایی وحی را کسب کنند. در عوض، ما به فروتنی ایمان نیاز داریم. ما باید خود را فروتن کنیم، مانند کودکان خردسال شویم و به خدا اعتماد کنیم.

مرقس ۱۰:۱۵. علاوه بر این، شادی پاسخی مناسب به مکاشفه است، همانطور که در لوقا ۱۰ و آیه ۲۱ دیدیم، مشابه این متن. سومین متن، سومین متنی که برای بررسی عمق آب‌ها به کار می‌رود، عبرانیان ۱:۱ و ۲ است. این متن به ما می‌گوید که مکاشفه چگونه می‌آید و به تاریخ نجات مربوط می‌شود.

به طور خاص، وحی خدا از طریق عهد عتیق و وحی او در عیسی در کنار هم قرار گرفته‌اند. عبرانیان ۱:۱ و ۲، مدت‌ها پیش، بارها و به طرق مختلف، خدا توسط پیامبران با اجداد ما سخن گفت. اما در این روزهای آخر او از طریق پسر خود با ما سخن گفته است، پسری که او را وارث همه چیز قرار داد و به وسیله او جهان را نیز آفرید.

او درخشش جلال خدا و مظهر دقیق ذات اوست و جهان را با کلام قدرت خود ننگه می‌دارد. پس از پاک کردن گناهان، در دست راست کبریایی در اعلی‌ترین نشست، در حالی که بسیار برتر شده بود، به همان اندازه که نامی که به ارث برده برتر از نام فرشتگان است. نویسندگان عبرانیان مقایسه‌های محکمی بین عهد عتیق و جدید انجام می‌دهد.

یک تفاوت اساسی و اساسی وجود دارد: شباهت. ببخشید، یک شباهت اساسی و اساسی وجود دارد، اما برخی تفاوت‌ها نیز وجود دارد. برای مثال، «خیلی وقت پیش» در مقابل «این روزهای آخر» قرار می‌گیرد. خیلی وقت پیش، در زمان‌های بسیار و به طرق مختلف، خدا با پدران ما سخن گفت.

در ایام آخر، خدا مدت‌ها پیش با پدران ما سخن گفت. در این ایام آخر او با ما سخن گفته است. پدران دریافت‌کنندگان مکاشفه عهد عتیق، ما، کسانی که در زمان عهد جدید زندگی می‌کنیم، به ویژه کسانی که عیسی و رسولان را می‌شناختند، دریافت‌کنندگان مکاشفه عهد جدید در مسیح و رسولانش هستیم.

مدت‌ها پیش، بارها و به طرق مختلف، خدا با پدران ما سخن گفت. در این روزهای آخر، او به وسیله پسرش با ما سخن گفته است. در مقابل، در بخش‌ها و به طرق مختلف، در زمان‌ها و به طرق مختلف، این توصیف عهد عتیق است.

عهد جدید توسط پسر او و همچنین توسط پیامبران و توسط پسر او نوشته شده است. سخنان مربوط به پسر وظیفه مضاعفی را انجام می‌دهند. من باید قبل از هر چیز اشاره می‌کردم که واسطه‌های وحی، پیامبران در عهد عتیق و پسر در عهد جدید بودند.

اما هیچ چیز برای متعادل کردن این طرف معادله با کلمات در بسیاری از مواقع و به طرق مختلف وجود ندارد، مگر اینکه کلمات پسر را به عنوان انجام وظیفه مضاعف ببینیم، که من معتقدم همانطور که فیلیپ هیوز و اف. اف. بروس و دیگر مفسران عبری نشان می‌دهند، همینطور است. چه تضادی. مدت‌ها پیش، در این روزهای آخر، خدا خود را به پدران، به ما، توسط پیامبران، توسط پسرش آشکار کرد.

بارها و به طرق مختلف، توسط پسر. شباهت اساسی و زیربنایی بین مکاشفه عهد عتیق و عهد جدید چیست؟ با دقت گوش دهید. مدت‌ها پیش، بارها و به طرق مختلف، خدا توسط پیامبران با پدران ما سخن گفت.

اما در روزهای آخر، او از طریق پسرش با ما سخن گفته است. در هر دو عهد، خدا، خدای سخنگو است. او خود را به مردمان عهد عتیق و به کسانی که با عیسی و حواریونش روبرو می‌شوند، آشکار می‌کند.

و این شامل ما نیز می‌شود، کسانی که خدا از طریق نوشته‌های حواریون عیسی با ما ملاقات می‌کند. بنابراین خدا در هر دو عهد، خدای سخنگو است. تفاوت‌ها وجود دارند و مهم هستند.

پیشرفت وحی وجود دارد. اما شباهت اساسی فوق‌العاده است. خدا، خدای سخنگو است.

او خود را آشکار کرده است. نویسندگان عبرانیان در مقایسه مکاشفه عهد عتیق و عهد جدید، چهار تمایز را مطرح می‌کند. او زمان‌بندی، همانطور که دیده‌ایم، مخاطب، واسطه‌ها و شیوه را از هم متمایز می‌کند.

در رابطه با زمان‌بندی، او مدت‌ها پیش را با این روزهای آخر مقایسه می‌کند. عهد عتیق از عبارت «روزهای آخر» برای اشاره به آینده استفاده می‌کند. آمدن مسیح، با تحقق بخشیدن به انتظار عهد عتیق، باعث اضافه شدن کلمه «اینها» می‌شود.

عهد عتیق می‌گوید، در روزهای آخر. نویسندگان عبرانیان می‌گویند، در این روزهای آخر. روزهای آخر، زمان‌های بین آمدن مسیح هستند.

نویسندگان مخاطبان را در مقابل هم قرار می‌دهد. مکاشفه عهد عتیق برای پدران، پدران قوم و فرزندان آنها نازل شد. مکاشفه عهد جدید برای ما، کسانی که پس از آمدن مسیح زندگی می‌کنیم، نازل می‌شود.

در مورد واسطه‌های وحی، کلام قبلی خدا توسط پیامبران به پیامبر رسید. و اکنون او توسط پسرش با ما سخن گفته است. عیسی واسطه وحی عهد جدید است.

چهارمین تقابل ضمنی است. خدا خود را به طرق مختلف به قوم عهد عتیق خود آشکار کرد. مطابق با این. وحی عهد جدید توسط پسر نازل شد.

تمام این وحی‌ها، وحی پسر است. وحی پسر. پسر ابدی، پیامبر بزرگی است که جسم شد.

یوحنا ۱:۱۴. برای آشکار کردن خدا به گونه‌ای بی‌سابقه. پس از مرگ، رستاخیز و عروج مسیح، او به وعده‌های خود مبنی بر فرستادن روح حقیقت به شاگردانش عمل می‌کند تا حقایق بسیاری را به آنها یادآوری کرده و بیاموزد.

یوحنا ۲۵:۱۴-۲۶. یوحنا ۲۶:۱۵. یوحنا ۱۳:۱۶ تا ۱۵.

اعمال رسولان ۱:۱. عیسی از آسمان، عهد جدید را به وسیله روح القدس از طریق حواریونش نازل کرده است. اساسی‌ترین تقسیم‌بندی در داستان کتاب مقدس، قبل و بعد از سقوط است. قبل از سقوط و بعد از سقوط.

سقوط همه چیز را تغییر می‌دهد. دومین بخش اساسی در داستان کتاب مقدس، درست همینجا در عبرانیان و ۲ آمده است. عهد عتیق و عهد جدید. یعقوب ۱:۱۸ تا ۲۵ آخرین بخش ما است، زیرا همچنان به ۱:۱ اندازه‌گیری عمق آب، به ویژه تجلی خدا در زمان و مکان، ادامه می‌دهیم.

یعقوب ۱:۱۸. خدا به اراده خود ما را به وسیله کلام حق آفرید تا ما نمونه‌ای از مخلوقات نوبر او باشیم برادران عزیز من، این را بدانید: هر کس باید در شنیدن تند، در گفتن آهسته و در خشم آهسته باشد، زیرا خشم انسان پارسایی خدا را به بار نمی‌آورد.

بنابراین، هرگونه پلیدی و شرارت شایع را از خود دور کنید و با فروتنی، کلام کاشته‌شده را که می‌تواند جان‌های شما را نجات دهد، بپذیرید. اما به کلام عمل کنید، نه فقط شنوندگانی که خود را فریب می‌دهند. زیرا اگر کسی کلام را بشنود و عمل نکند، مانند کسی است که با دقت به چهره طبیعی خود در آینه نگاه می‌کند.

، زیرا او به خود نگاه می‌کند و می‌رود و فوراً فراموش می‌کند که چگونه بوده است. اما کسی که به شریعت کامل شریعت آزادی، نگاه می‌کند و پایدار می‌ماند، زیرا شنونده‌ای فراموشکار نیست، بلکه عمل‌کننده‌ای است که عمل می‌کند، در عمل خود برکت خواهد یافت. در این بخش کوتاه، یعقوب از وحی به عنوان کلام حق سخن می‌گوید، یعقوب ۱:۱۸.

کلام کاشته شده، آیه ۲۱. کلام، آیات ۲۲-۲۳. شریعت کامل، آیه ۲۵.

شریعت آزادی، آیه ۲۵. در ادامه نامه، یعقوب به شریعت سلطنتی، ۲:۸، ۲:۹-۱۱ و آیات ۲:۸، ۲:۲۳، ۴:۵ نیز اشاره می‌کند. در همین راستا، یعقوب تأکید می‌کند که شریعت وحدت دارد، اراده قانونگذار را منتقل می‌کند و به عنوان مبنای قضاوت عمل می‌کند، ۲:۸-۱۳، ۴:۱۱ و ۱۲. یعقوب این کار را با گنجاندن مطالب عهد عتیق مانند مطالب مربوط به ابراهیم، راحاب، الیاس، انبیا، ایوب، خروج ۲۰، لاویان ۱۹ و تثنیه و همچنین آموزه‌های عیسی انجام می‌دهد.

در متنی که PNR رجوع کنید به کریستوفر مورگان، الهیات یعقوب، حکمت برای قوم خدا، انتشارات می‌خوانیم، یعقوب ۱:۱۸-۲۵، یعقوب درباره کلام حق می‌نویسد و کلام را با حقیقت مرتبط می‌کند، که کلام را به خدایی که با حقیقت توصیف شده و آن را ابلاغ می‌کند، مرتبط می‌سازد، یعقوب ۱، ۱۸. خدا از کلام حق برای تولد تازه در خلقتی جدید استفاده می‌کند، آیه ۱۸.

او به اراده خود، ما را به وسیله کلام حق آفرید تا ما نوعی نوبر مخلوقات او باشیم. همچنین به اول پطرس مراجعه کنید، یعقوب کلام حق را به عنوان ابزاری که به زندگی منجر می‌شود، در مقابل گناه به عنوان ۱:۲۳ ابزاری که منجر به مرگ می‌شود، قرار می‌دهد، یعقوب ۱:۱۳-۱۸. در مقابل میل و هوسی که گناه را به وجود می‌آورد، کلام حق، مؤمنان را به عنوان خلقتی جدید به وجود می‌آورد.

این کلمه به عنوان بذر خدا برای تولد تازه عمل می‌کند، آیات ۱۶-۱۸، و نماینده خداست که به وسیله آن مؤمنان را شکل می‌دهد، آیه ۲۱. این کلمه، مانند هر هدیه خوب و کامل، از جانب خدا نازل می‌شود و باید دریافت شود. یعقوب کلمه و شریعت را تا حدودی به جای یکدیگر به کار می‌برد، و به نظر می‌رسد هر دو اصطلاح به طور گسترده عهد عتیق، آموزه‌های اخلاقی کلیدی در عهد عتیق و وعده‌های عهد جدید که در انجیل و آموزه‌های عیسی آشکار شده است را به تصویر می‌کشند.

یعقوب در آیات ۱۹ تا ۲۵:۱ کلام و شریعت را مترادف می‌داند، که با تأکید بر اهمیت عمل به کلام آغاز می‌شود و با برکت دادن به کسانی که شریعت را به جا می‌آورند، پایان می‌یابد. کلمه شریعت همچنین شریعت کامل آزادی است، آیه ۲۵. همچنین به آیه ۲:۲ مراجعه کنید.

یعقوب در ادامه مزمور ۱۹، نه تنها ایده کمال شریعت را برجسته می‌کند، بلکه مضامین مرتبط با زندگی، حکمت، شادی، پاکی، طهارت، عدالت و پاداش را نیز برجسته می‌کند. شریعت کامل وسیله‌ای برای آزادی ترویج زندگی، شکوفایی، تقدس و خدمت است. این کلام همچنین اقتدار خدایی را که آن را عطا می‌کند، در خود دارد.

به همین دلیل، مؤمنان باید در گوش دادن به کلام خدا سریع باشند. همچنین به تثنیه ۶: ۱-۹ مراجعه کنید که می‌گوید گناه را کنار بگذارید تا برای دریافت آن آماده شوید، و آن را با فروتنی بپذیرید و بشنوید و انجام دهید، یعقوب ۱: ۱۹-۲۵. مؤمنانی که به کلام عمل می‌کنند در عمل خود برکت خواهند یافت، آیه ۲۵

خداوند این کلمه را در آغاز، میانه و پایان زندگی مسیحی، آیات ۱۸-۲۵، به کار می‌برد. در هر گام از این سفر قوم خدا باید تفکر و زندگی خود را تسلیم کلام معتبر خدا کنند. در سخنرانی بعدی خود، به شناخت خدا از طریق وحی او، معنای وحی و نیاز ما به وحی خواهیم پرداخت و به تفکر در مورد آشکار شدن خود توسط خدا از طریق وحی عمومی خواهیم پرداخت.

من دکتر رابرت ای. پترسون هستم در تدریسش در مورد مکاشفه و کتاب مقدس. این جلسه ۵، مکاشفه در داستان کتاب مقدس، مکاشفه در متون منتخب است.